

۱۴۰۶ق؛ المجموع شرح المهذب: النووی (م. ۶۷۶ق.)، دار الفکر؛ مستدرک الوسائل: النووی (م. ۱۳۲۰ق.)، بیروت، آل البيت (ع. ۱۴۰۸ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المصباح: الکفعمی (م. ۹۰۵ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ معجم الفروق اللغویه: ابوهلال العسکری (م. ۳۹۵ق.)، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ معجم مقاییس اللغة: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۴۰۴ق؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر الكتاب، ۱۴۰۴ق؛ المقنع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسة الامام الهادی (ع. ۱۴۱۵ق؛ المقنع: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ المهذب: القاضی ابن البراج (م. ۴۸۱ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ نهج البلاغه: شرح عبده، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۲ق؛ الهدایه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسة الامام الهادی (ع. ۱۴۱۸ق.

فرح الله میرعرب



استقبال (۱): به پیشواز حاجی یا زائر

رفتن

استقبال از ریشه «ق - ب - ل» به معنای روی آوردن^۱، روبه‌رو شدن^۲، پیشداشت^۳ برای

الناضره: یوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق؛ الخصال: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ الدر المنتور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ دعائم الاسلام: النعمان المغربی (م. ۳۶۳ق.)، به کوشش فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ق؛ روض الجنان: ابوالفوح رازی (م. ۵۵۴ق.)، به کوشش یاقفی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ سلسله البیان الفقیهیه: علی اصغر مروراید، بیروت، دار التراث، ۱۴۱۰ق؛ سنن ابن ماجه: ابن ماجه (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ق؛ الصحاح: الجوهری (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛ صحیح البخاری: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ علل الشرایع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش بحر العلوم، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ق؛ العین: خلیل (م. ۱۷۵ق.)، به کوشش المخزومی و السامرائی، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ فقه الرضا (ع. ۳۲۹ق.)، مشهد، کنگره جهانی امام رضا (ع. ۴۰۶ق؛ فیض القدیر: المناوی (م. ۱۰۳۱ق.)، به کوشش احمد عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ قرب الاسناد: الحمیری (م. ۳۰۳ق.)، قم، آل البيت (ع. ۱۴۱۳ق؛ الکافی فی الفقه: ابوالصلاح الحلبي (م. ۴۴۷ق.)، به کوشش استادی، اصفهان، مكتبة امير المؤمنين (ع. ۴۰۳ق؛ الکافی: الكلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ کامل الزیارات: ابن قولویه القمی (م. ۳۶۸ق.)، به کوشش القیومی، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق؛ الکشاف: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)، مصطفی البابی، ۱۳۸۵ق؛ کنز العمال: المتقی الہندی (م. ۹۷۵ق.)، به کوشش صفوة السقاء، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه،

۱. العین، ج ۵، ص ۱۶۶، «قبل».

۲. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۳۸، «قبل».

۳. مفردات، ص ۳۹۱، «قبل».

استقبال از مسافر، در زمره ضروریات عرفی است. به فتوای شماری از مراجع، بیرون رفتن از مسجد در حال اعتکاف برای استقبال از مسافر جایز است.^۸ مسلمانان به این کار به منزله یکی از سنن و آداب اسلامی اهتمام داشته‌اند. در هجرت نبوی، مردم یثرب برای استقبال از پیامبر چندین روز به قبا در بیرون شهر رفتند تا آن‌گاه که به دیدار ایشان توفیق یافتند.^۹ گزارش‌هایی نیز از سیره مردم در استقبال از اهل بیت علیهم‌السلام در دست است؛ مانند استقبال از امام علی علیه‌السلام.^{۱۰}

پیشواز حج گزاران هم مشمول ادله عام رجحان استقبال از مسافران است و هم به صورت ویژه تأیید شده است. در روایتی پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سفارش کرده است: پیش از ورود حاجی به خانه‌اش او را دیدار کرده، بر او سلام و با او مصافحه نمایید و از وی بخواهید تا برای شما آمرزش جوید؛ زیرا او خود آمرزیده است.^{۱۱} امام سجاده علیه‌السلام مردم را به شتافتن برای سلام دادن به حج گزاران و مصافحه و تکریم آنان دعوت می‌کرد تا در پاداش حاجیان سهیم گردند.^{۱۲} در روایت‌هایی گرامی داشتن حاجیان و عمره گزاران، لازم

خوشامدگویی به مهمان یا مسافر تا مسافتی در مسیر آمدن او، پیش رفتن، پیشواز رفتن^۱ و متضاد بدرقه است.^۲ در پیشواز این مفهوم نهفته که استقبال شونده به محل سکونت و وطن خود نرسیده و در خانه خود اقامت نکرده است.

استقبال از مسافران در میان مردم گوناگون، عرفی رایج بوده و از آداب اسلامی و سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.^۳ در گزارشی، به استقبال پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جعفر طیار، هنگام بازگشت او از حبشه، اشاره شده است.^۴ بر پایه گزارشی دیگر، پیامبر همراه مهاجران و انصار در بازگشت مجاهدان از سریه‌ها، به استقبال آنان می‌رفتند.^۵ مردم مدینه نیز از پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سپاهیان اسلام هنگام بازگشت از برخی غزوه‌ها، در ورودی شهر استقبال می‌کردند.^۶ تنگه‌های ورودی مدینه که «ثنية الوداع» خوانده می‌شد، مکان استقبال و بدرقه مسافران و مجاهدان در آغاز اسلام بود.^۷

۱. فرهنگ فشرده سخن، ج ۱، ص ۱۲۷، «استقبال».

۲. لغت‌نامه، ج ۲، ص ۱۸۴۰، «استقبال».

۳. المعجم الكبير، ج ۲، ص ۱۰۸؛ اعلام السوری، ج ۱، ص ۲۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۶.

۴. الخصال، ص ۴۸۴؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۲۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۲۶.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۰۷؛ تاریخ معالم المدینه، ص ۲۱۷.

۶. السیره النبویه، ج ۴، ص ۴۱؛ امتاع الاسماع، ج ۸، ص ۳۹۳؛ سبیل الهدی، ج ۴، ص ۱۰، ج ۳۲۰.

۷. فتح الباری، ج ۸، ص ۹۸؛ الدر الثمین، ص ۱۲۳-۱۲۸.

۸. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۷.

۹. وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۹۱.

۱۰. وقعة صفین، ص ۱۴۴.

۱۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۹۳؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱.

۱۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۸؛ الکافی، ج ۴، ص ۲۶۴.

اخروی؛ و بهره گرفتن از پاداش حج گزار، از مهم ترین اهداف این استقبال به شمار می آیند.^۷ بهره‌وری از معنویت و نورانیت حاجی و برخورداری از دعای خیر او، نیز در زمره این اهداف است. شاید از همین رو است که در شماری از روایت‌های پیش گفته، دیدار حاجی پیش از ورود به خانه تا هنگامی که هنوز غبار سفر بر چهره دارد، سفارش شده تا دیدار با او هنگامی انجام گیرد که هنوز گناهی نکرده و همچنان آمرزیده است و نور حج بر سیمای خود دارد. با توجه به مضامین روایات، برخی استقبال را سنتی حسنه و کاری مستحب شمرده‌اند.^۸

◀ **استقبال از حاجی در ایران: استقبال**
از حاجی پیشینه‌ای به درازای حج گزاری دارد.^۹ در دوران گذشته، سختی راه و طولانی بودن سفر حج، بر اشتیاق مردم برای دوباره دیدن حاجی می‌افزود. در میان مسلمانان بسیاری از آیین‌های استقبال مشترک هستند؛ اما به فراخور فرهنگ و آداب ملل مختلف، تفاوت‌هایی نیز دارند.

یکی از آداب پیشواز، بیرون رفتن از شهر یا روستا است. استقبال کنندگان در فاصله چند صد متری تا چند کیلومتری محل سکونت حاجی، به

شمرده شده است.^۱ بر پایه حدیثی از امام صادق (ع) ثواب مُعانقه با حج گزاری که هنوز غبار سفر بر چهره دارد، همانند پاداش استلام حجرالاسود است.^۲ بر پایه روایتی، جبرئیل و گروهی از فرشتگان پس از اتمام حج آدم (ع) در سرزمین ابطح یا ردم از او استقبال کردند و حج گزاردنش را به او تبریک گفتند.^۳ در روایت‌هایی، حاجیان و عمره گزاران در زمره مهمانان خدا دانسته شده‌اند.^۴

امام صادق (ع) در دیدار گروهی از حاجیان، حج گزاری خانه خدا، زیارت قبر پیامبر (ص) و تشیع را به آنان تهنیت گفت.^۵ بر پایه روایتی، پس از بازگشت امام سجاد (ع) از حج، شبلی که از متصوفه به شمار می‌رفت و خود در موسم حج شرکت کرده بود، به استقبال ایشان رفت. امام با بیان حکمت‌ها و اسرار باطنی حج، به نقد حج ظاهری او پرداخت.^۶

تکریم حج گزار که در راه رضای حق با تحمل سختی‌های فراوان و هزینه کردن مال و دوری از وطن به حج رفته؛ دستیابی به پاداش

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۴۶.

۲. ثواب الاعمال، ص ۵۰؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۶۱.

۳. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۹-۱۰۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۴۶.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۷. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۴.

۸. حج در اندیشه اسلامی، ص ۶۲.

۹. اخبار مکه، ج ۱، ص ۴۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۴۶-۴۴۷.

تهییج مردم به سفرهای زیارتی و فراهم کردن اسباب و لوازم سفر می‌خوانند. از این سروده‌ها می‌توان نوع وسایل سفر حاجیان را دریافت. آنان در پیشواز حاجیان، از جانب زائران، اشعاری برای استقبال کنندگان می‌خوانند که از بازگشت ایشان به وطن و نیابتشان از مردم در زیارت، حکایت دارد. از جمله می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

آمدند از راه حج و رویشان دارد شرف
از طواف کعبه و پیغمبر و شاه نجف

حاجیان از حرم امن خدا آمده‌اند
شادمان در وطن از سعی و صفا آمده‌اند
شکر بسیار خدا را که به ایران عزیز

حاجیان از حرم امن خدا آمده‌اند

معمولاً در میان هر دو بیتتی که خوانده می‌شود، همراهان اشعاری از این گونه می‌خوانند و با صدای بلند صلوات می‌فرستند:^۳
نشود ناطقه‌ای لال به هنگام ممات

آن زبانی که فرستد به محمد صلوات

نشود خسته و درمانده و هم بی‌حرکات
آن زبانی که فرستد به محمد صلوات

عطرافشانی با عود و عنبر و اسپند، آب‌پاشی

تناسب شأن و جایگاه اجتماعی او، رسیدنش را انتظار می‌کشند. ضرب المثل فارسی «مشک خالی پرهیز آب؟» از رسمی کهن در استقبال از حاجیان حکایت دارد.^۱ در این مراسم، اقوام و آشنایانی که می‌خواهند به حاجی ارادت ورزند، هنگام ورود او با مشک‌های آب که تا مکان استقبال حاجی حمل کرده‌اند، فریاد می‌زنند: «پرهیز آب». یعنی: مراقب باشید که با آب خیس نشوید. شمار حاملان مشک‌ها و مسافتی که پیش پای حاجی آب‌پاشی می‌شود، بیانگر میزان احترام و تکریم او است.

در مناطق گوناگون ایران، اقوام و آشنایان نزدیک در ایستگاه‌های پرواز به استقبال حاجی رفته، گاه مسافت‌های طولانی را برای رسیدن به فرودگاه می‌پیمایند. در برخی مناطق، چند روز پیش از بازگشت حاجی، شماری از نزدیکان او به تهران آمده، پس از دیدار با حاجی، یکی از جوانان همراه نشانه‌ای همچون عرقچین یا عمامه او، زودتر به شهر بازمی‌گردد و خبر بازگشت و سلامت وی را به خانواده او می‌دهد و پاداش می‌گیرد.^۲

چاووش‌خوانی از دیگر آداب استقبال از حاجیان و زائران است. چاووش‌خوانان نقشی ویژه و خاطره‌انگیز دارند. آن‌ها اشعاری در

۱. شرح زندگانی من، عبدالله مستوفی، ج ۲، ص ۵۸۱؛ مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۱۱۰۲.

۲. مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۱۰۸۴.

۳. مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۱۰۸۲-۱۰۹۶.

کوچه‌ها، قرائت قرآن، نصب پارچه‌نوشته‌هایی با مضمون آرزوی قبولی حج و خوشامدگویی از جانب اعضای خانواده و دوستان و آشنایان، از آداب‌های هستند که کم و بیش در همه جا انجام می‌شود. در بعضی از شهرها نخل‌ها یا کوچه‌ها را با شاخ و برگ درختان تزئین می‌کنند یا داربست‌های چوبی در کوچه و خیابان نصب می‌نمایند که طاق نصرت خوانده می‌شوند و معمولاً با قالی و گل و آینه و قرآن زینت می‌یابند.

قربانی کردن گوسفند و گاو و شتر به شکرانه بازگشت حاجی و هم‌هنگام با پیشواز او در مناطق گوناگون ایران رواج دارد. در مناطقی از آذربایجان، به نشانه شادمانی، گوسفندان آماده ذبح را با حنا تزئین می‌کنند. پذیرایی از مهمانان با آب زمزم، خرما، مدینه، شربت و شیرینی و اطعام آنان نیز از آیین استقبال ایرانیان است. در این مراسم، حاجی با اهدای سوغاتی که از آن‌جا آورده، به خویشان و نزدیکان یادآوری می‌کند که در سفر به یاد آنان بوده است. در بسیاری از شهرها، حاجی تا سه روز، یک هفته و حتی یک ماه در منزل «جلوس» دارد و از کسانی که برای تبریک و خوشامدگویی به منزل او می‌آیند، پذیرایی می‌کند.^۱

◀ استقبال از حج‌گزار در دیگر

کشورها: بیشتر آیین‌های پیش‌گفته در ایران، در دیگر سرزمین‌های اسلامی نیز رواج دارند. البته تفاوت‌هایی نیز در آداب آنان دیده می‌شود. در ترکیه استقبال از حاجی در مراسمی گسترده به نام «تهنیه» انجام می‌گیرد. در این مراسم که در همه جای این کشور با اندکی اختلاف برگزار می‌شود، یک ماه پیش از ورود حاجی، در خانه و اتاق‌های آن به رنگ سبز آراسته می‌گردد و برای زنان خانه نیز لباس سبز دوخته می‌شود. در مراسم خوشامدگویی، حاجی بر سر چفیه و بر دوش عبا می‌اندازد. مردم کتف راست و چپ او را می‌بوسند و کف دست راست او را بوسه زده، به آن تبرک می‌جویند. سپس پشت سر وی پیاده و تکبیرگویان به سوی خانه‌اش حرکت می‌کنند. در برخی مناطق دو یا سه کیلومتر مسیر استقبال را می‌پیمایند و خانواده حاجی به کسانی که برای پیشواز آمده‌اند، چفیه هدیه می‌دهند. حاجی به هنگام ورود، نخست به زیارت آخرین حاجی محل می‌رود. معمولاً سه روز جشن بر پا است و هر روز برنامه‌ای خاص اجرا می‌شود. این مراسم جزئیات فراوان دارد و هر گروه از مردم به گونه‌ای در آن شرکت می‌جویند. مثلاً دختران دم‌بخت روز نخست تهنیه، لباس‌های سنتی به نام کافتان و جامه‌های اطلسی می‌پوشند و بر سرشان تاج عروس نهاده، از

۱. مجموعه مقالات، ج ۲، ص ۱۰۸۴.

مهمانان پذیرایی می‌کنند. دختران در روزهای دوم و سوم نیز به گونه‌ای دیگر لباس می‌پوشند. به برکت بازگشت حاجی، بسیاری از مادران در همین مراسم برای پسرانشان دختری برمی‌گزینند. در این مراسم، با خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های مخصوص و نیز قلیان و سیگار از مردم پذیرایی می‌شود. از خوراکی‌ها گونه‌ای آجیل به نام آجیل حاجی، شربت به نام خوشاب و گونه‌ای شیرینی به نام عاشوره است که افزون بر این مراسم، در روزهای محرم به یاد امام حسین علیه السلام پخته و پخش می‌شود. حاجی در این جشن، خاطرات زیارت خود را برای مردم بازگو می‌کند و همه با شنیدن سخنان او دعا می‌کنند که خدا این زیارت را به آنان نیز عطا فرماید. پیشتر میان مردم ترکیه انتظار دیدار حاجی چنان طاقت‌فرسا بود که ضرب المثل ترکی «منتظر است مانند انتظار حاجی» رایج شد. امروزه اجرای این مراسم در ترکیه کم‌رنگ شده است.^۱

در تاجیکستان برای احترام نهادن به حاجی، گاه تا ۱۰۰ کیلومتر به پیشواز او می‌شتابند و حتی لباس احرام او را تکه تکه کرده، برای تبرک نزد خود نگاه می‌دارند. مراسم استقبال نیز با جشن‌های شکوهمند و مجالس سخنرانی همراه است و حاجی خاطرات سفر خود را

برای همه بازمی‌گوید.^۲

در اردن با ریختن شیرینی از پنجره‌ها بر سر حاجی، از او استقبال می‌کنند. اشتیاق جوانانی که هنوز به حج مشرف نشده‌اند، برای میزبانی از حاجی در منزلشان، گاه به ستیز می‌انجامد.

در دیگر کشورهای عربی همچون سوریه و امارات، برخی خانواده‌ها هنگام بازگشت حاجی هلهله می‌کنند. این گونه هلهله و شادمانی «زغارید» نام دارد.^۳ (ب- امارات)

◀ استقبال از کاروان‌های حج: در

گذشته حاجیان در قالب کاروان‌های حج از سوی حاکمان و مردم شهرهای گوناگون به گونه ویژه بدرقه و استقبال می‌شدند. نمونه‌هایی از این مراسم مربوط به محمل‌هایی بود که هر ساله در مراسمی خاص به حج گسیل می‌شد. مهم‌ترین این محمل‌ها، محمل شامی (حامل صره) و محمل مصری (حامل جامه) بود که به دلیل امنیت بیشتر از همه محمل‌ها بزرگ تر بودند و در جده و مکه از آن‌ها استقبال رسمی می‌شد. شماری از شرفای مکه، جدا از ملاحظات سیاسی که در استقبال از محمل‌ها و امرای دیگر سرزمین‌ها داشتند، خود را به استقبال از همه حاجیان در موسم حج پایبند می‌دانستند و حتی به مردم اجازه بیرون

۲. میقات، ش ۱۵، ص ۱۹۴، «حجگزاری در تاجیکستان».

3. www.emaratalyoum.com.

۱. میقات، ش ۶۱، ص ۱۳۰، «رسم تهنیه».

رفتن از مکه را برای استقبال می‌دادند.^۱ حتی میان برخی از شرفای مکه مرسوم بود که تا مدینه به استقبال حاجیان می‌رفتند و پس از اتمام موسم نیز از مکه تا مدینه آن‌ها را بدرقه می‌کردند.^۲ در استقبال از این کاروان‌ها که معمولاً پس از انجام مناسک حج و هنگام عزیمت به مدینه از باب عنبریه وارد می‌شدند، توپ‌هایی شلیک می‌گشت.^۳ حدیبیه حشمتی از منازلی بوده که پنج منزل از مدینه و ۲۰ منزل تا شام فاصله داشته و پاشای جریده، هنگام ورود حاجیان، با شلیک توپ از آنان استقبال می‌کرده است. پاشای جریده از سوی حکمران شام با یک عراده توپ و ۲۰۰ سوار و ذخیره و ارزاق و مراسلات حاجیان شامی برای استقبال حاجیان فرستاده می‌شد.^۴ از منطقه صَرَوِه در چهار منزلی مُعان به «استقبال چی حاج» به عنوان محل استقبال از حاجیان و فروش آذوقه یاد شده است. پاشای آن‌جا همراه گروهی از نظامیان به استقبال حاجیان می‌آمده است. همچنین به استقبال حکمران شام همراه سربازان فراوان، از حاجیان در منطقه مُعان، در فاصله پنج روز با دمشق^۵ اشاره شده است.^۶

هنگام رسیدن محمل به مصر نیز جشنی شکوهمند برای استقبال از آن برپا می‌شد که حاکم مصر یا جانشین او در آن شرکت داشت. در این مراسم، حوض‌هایی از شربت پر می‌شد و تا سه روز به مردم شربت می‌دادند. در این میان، استقبال برخی از مردم شهرهای گوناگون حجاز از کاروان‌های حج و محمل‌ها، با انگیزه‌هایی همچون کار، تجارت، خرید و فروش یا دریافت هدایا نیز همراه بود. هورگرونیه، خاورشناس هلندی، از مطوفانی نام برده که در جده به استقبال حاجیان می‌آمدند و سپس مشتریان خود را به منزلشان در مکه می‌بردند و تا پایان مناسک همراهی می‌کردند.^۷ در گزارشی دیگر آمده که مردم مدینه تا سرزمین «جُرف» به استقبال حاجیان آمده، آن‌ها را به منازل خود دعوت می‌کردند. محبت مردم مدینه به زائران حرمین شریفین چندان بود که کودکان در کوچه‌ها با خواندن اشعار برای زائران، محبت و دل بستگی خود را به آنان نشان می‌دادند. مردم مدینه در موسم حج و جز آن، زائران را به منزل خود دعوت کرده، در اطعام و احسان به آن‌ها از یکدیگر سبقت می‌جستند. ایشان دل زائران را شاد و از آنان دلجویی می‌کردند. حتی اگر توان مالی نداشتند، وام گرفته، در مهمان‌نوازی کوتاهی نمی‌کردند. اگر در

۱. تاریخ مکه، ص ۳۳۳؛ اتحاف الوری، ج ۳، ص ۱۹۹.

۲. به سوی ام القری، ص ۲۵۶.

۳. سفرنامه حسام السلطنه، ص ۱۰۷.

۴. پنجاه سفرنامه، ج ۱، ص ۷۵۰.

۵. معجم ما استعجم، ج ۴، ص ۱۲۴۱.

۶. پنجاه سفرنامه، ج ۷، ص ۵۹۲.

۷. صفحات من تاریخ مکه، ص ۸۸.

خلعتش دهد و مقامش را باز گرداند و حتی وی را به عنوان پیشوای استقبال کنندگان، به پیشواز حاجیان بفرستد. او نیز تا دو منزل به استقبال سعدی شتافت و این گونه از او قدردانی کرد.^۳

بر پایه گزارش‌هایی در منابع تاریخی، استقبال از حاجیان به شکل جشن عمومی در شهر انجام می‌شده است. از جمله به سال ۳۱۷ق. برای استقبال از حاجیان، بغداد را آراستند.^۴ در گزارشی دیگر درباره استقبال از حاجیان بغدادی آمده است که هنگام ورود، شب را در یاسریه در حومه بغداد می‌خوابیدند و صبح وارد شهر می‌شدند تا مردم بتوانند از آن‌ها به خوبی استقبال کنند. حاجیان شرق نیز که از بغداد به وطن خود بازمی‌گشتند، در این شهر از سوی خلیفه استقبال می‌شدند.^۵

در گزارش‌های تاریخی و سفرنامه‌های حج کمتر به موضوع استقبال و مراسم و آیین‌های آن پرداخته شده است. گزارش‌هایی که به تفصیل به این موضوع و تشریح مراسم استقبال پرداخته باشند، بسیار اندک و انگشت‌شمارند. از جمله می‌توان به رساله *روزنگار استقبال از حجاج* نوشته سید محمد حسین رضوی همدانی اشاره کرد. نویسنده این رساله همراه

موسم حج در خانه‌ای از حاجیان پذیرایی نمی‌شد، همگان صاحب آن خانه را سرزنش می‌کردند و او را به دلیل پذیرایی نکردن از حاجیان، بی‌سعادت می‌شمردند.^۱

بر پایه گزارش‌های تاریخی، مردم و حاکمان از زائران خانه خدا با شادی استقبال می‌کردند و تمنایشان این بود که خدای والا در سال‌های آینده نیز حج را روزی آنان سازد. حتی امیران و حاکمان شهرها گاه خود به استقبال کاروان‌ها می‌شتافتند یا با شنیدن خبر بازگشت کاروان حج، گروهی را به نمایندگی از خود برای پیشواز آنان می‌فرستادند یا به برکت قدم حاجیان، برای زندانیان فرمان عفو صادر می‌کردند. به گزارش سعدی، در روزگار وی، مراسمی شکوهمند در پیشواز حاجیان برگزار می‌شد و مردم با تهلیل و تکبیر و شادی تا دو منزل، از حاجیان استقبال می‌کردند.^۲ این از حکایتی برمی‌آید که سعدی هنگام بازگشت از مکه مکرمه درباره یکی از دوستانش آورده است. به سفارش سعدی، حاکم، دوست وی را به کار گماشته بود. اما سخن چینی حسودان سبب شد که او به زندان بیفتد و به انواع عقوبت گرفتار شود تا آن که مژده بازگشت حاجیان به سلامت، سبب شد حکمران عقوبت او را برداشته،

۳. حج در گلستان سعدی، ص ۲۹۲.

۴. العیون و الحدائق، ج ۴، ص ۲۵۳.

۵. حج در اندیشه اسلامی، ص ۹-۱۰.

۱. میقات، ش ۴۷، ص ۲۱۳-۲۱۴، «هجرت سرای پیامبر».

۲. میقات، ش ۵۱، ص ۱۳۰، «حج در گلستان سعدی».

دو تن از شهرستان رشت به قصد استقبال از برادرش که دانشوری نام آور و از شخصیت‌های برجسته دوران قاجار در آن شهر بوده، به کرمانشاه رفته است. بر پایه این گزارش، گروه‌های گوناگون مردم از جمله حاکمان شهرها و دانشوران طراز اول در مسیر کرمانشاه تا تهران از برادر وی استقبال کرده‌اند.^۱

◀ منابع

اتحاف السوری: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۱۰ق؛ اخبار مکه: الارزقى (م. ۲۴۸ق.)، به كوشش رشدی الصالح، مکه، مكتبة الثقافة، ۱۴۱۵ق؛ اعلام السوری: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۷ق؛ امتاع الاسماع: المقريزي (م. ۸۴۵ق.)، به كوشش محمد عبدالحميد، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۰ق؛ به سوی ام القرى: رسول جعفریان، مشعر، ۱۳۷۳ش؛ پنجاه سفرنامه حج قاجاری: به كوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش؛ تاریخ معالم المدینه: احمد یاسین احمد الخیارى، بيروت، دار العلم، ۱۴۱۲ق؛ تاریخ اليعقوبى: احمد بن يعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ مکه: احمد السباعى (م. ۱۴۰۴ق.)، نادى مكة الثقافى، ۱۴۰۴ق؛ تحرير الوسيلة: امام خمينى (ع) (م. ۱۳۶۸ش.)، نجف، دار الكتب العلمية، ۱۳۹۰ق؛ ثواب الاعمال: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، الرضى،

۱۳۶۸ش؛ حج در اندیشه اسلامى: سيد على قاضى عسكر، مشعر، ۱۳۷۵ش؛ حج در گلستان سعدى: محمد علاء الدين منصور، ترجمه: محدثى، قم، مؤسسه فرهنگى و آگاهى رسانى تبیان، ۱۳۸۷ش؛ الخصال: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش غفارى، قم، نشر اسلامى، ۱۴۱۶ق؛ الدر الثمين: محمد الامين الشنقيطى (م. ۱۹۳۲م.)، جده، دار القبله للثقافة الاسلاميه، ۱۴۱۱ق؛ سبل الهدى: محمد بن يوسف الصالحى (م. ۹۴۲ق.)، به كوشش عادل احمد و على محمد، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ق؛ سفرنامه حسام السلطنه: مراد حسام السلطنه، به كوشش رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۷۳ش؛ السيرة النبويه: ابن كثير (م. ۷۷۴ق.)، به كوشش مصطفى عبدالواحد، بيروت، دار المعرفه، ۱۳۹۶ق؛ شرح زندگانی من: عبدالله مستوفى، تهران، زوار، ۱۳۷۷ش؛ صفحات من تاريخ مکه: سنوك هور خرونيه، به كوشش محمد السريانى، ۱۴۱۱ق؛ العين: خليل (م. ۱۷۵ق.)، به كوشش المخزومى و السامرائى، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ العيون والحدائق فى اخبار الحقائق: عمر سعيدى، دمشق، ۱۹۷۲م؛ فتح البارى: ابن حجر العسقلانى (م. ۸۵۲ق.)، بيروت، دار المعرفه؛ فرهنگ فشرده سخن: زير نظر حسن انورى، تهران، سخن، ۱۳۸۲ش؛ الكافي: الكلينى (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ لغت نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش.) و ديگران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارات: حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، تهران، مشعر، ۱۳۷۸ش؛ مستدرک الوسائل: النورى (م. ۱۳۲۰ق.)، بيروت، آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ق؛ المعجم الكبير: الطبرانى (م. ۳۶۰ق.)،

۱. میراث شهاب، ش ۴۱-۴۲، ص ۲۱-۲۸، «روزگار استقبال از حجاج».

که در ابواب گوناگون فقهی از جمله نماز، حج، نکاح، و صید و ذباحت، مشمول احکام تکلیفی پنج گانه^۲ (وجوب، استحباب، کراهت، حرمت و اباحت) است. اصطلاح قبله* از همین ریشه به معنای جهت قرار گرفتن نماز گزار یا هر شخصی است که رو به خانه کعبه قرار می گیرد.^۳

استقبال از شرایط صحت برخی عبادات مانند نماز واجب به شمار می رود. در برخی حالات، استقبال (رو به قبله بودن) یا استدبار (پشت به قبله بودن) مشمول حکم حرمت یا کراهت است. در پاره ای موارد نیز استقبال مستحب شمرده می شود و در دیگر موارد مشمول حکم جواز به معنای خاص است.

پیش از اسلام، بیت المقدس* سرزمین مطلوب همه ادیان الهی بود. پس از بعثت نیز این سرزمین نخستین قبله مسلمانان به شمار می رفت. این ویژگی تا دومین سال هجرت پیامبر گرامی ﷺ به مدینه تداوم یافت.^۴ بر پایه برخی روایت ها^۵ پیامبر ﷺ به سبب دل بستگی خاص خود به خانه کعبه، تا هنگامی که در مکه اقامت داشت، در مکانی نماز می گزارد که هم رو به کعبه باشد و هم بیت المقدس.

۲. المهذب البارع، ج ۱، ص ۳۰۴.

۳. البحر الرائق، ج ۱، ص ۴۹۳.

۴. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۵. الطبیقات، ج ۱، ص ۲۴۱، ۲۴۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵.

به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ معجم ما استعجم: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر الکتب، ۱۴۰۴ق؛ مکارم الاخلاق: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۲ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ میراث شهاب (فصلنامه): قم، کتابخانه نجفی؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البیت (ع. ۱۴۱۲ق)؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م؛ وقعة صفین: ابن مزاحم المنقری (م. ۲۱۲ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، مکتبة النجفی، ۱۴۰۴ق.

www.emaratalyout.com

حامد خراسانی



استقبال (۲): روی کردن به سوی کعبه

واژه استقبال از ریشه «ق - ب - ل» به معنای پیش آمدن، روی آوردن و روبه رو شدن است.^۱ این واژه در فقه اسلامی کاربردهای گوناگون دارد که رایج ترین گونه آن در متون دینی و فقهی، روی آوردن به سوی کعبه است

۱. العین، ج ۵، ص ۱۶۶؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۷۹۵؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۲۷، «قبل».